





علی اکبر دهخدا در حدود سال ۱۲۹۷ هجری - قمری، در تهران متولد شد. پدر دهخدا خانباخان که از ملاکان متوسط قزوین بود، پیش از ولادت وی از قزوین به تهران آمد و در این شهر اقامت گزید. هنگامی که علی اکبر دهخدا ده ساله بود پدر وی وفات کرد، و دهخدا با توجه مادر خود به تحصیل ادامه داد. علامه دهخدا در ساعت شش و سه ربع بعد از ظهر روز دوشنبه هفتم اسفند ماه ۱۳۳۴ (هجری شمسی) در خانه مسکونی خویش واقع در خیابان ایرانشهر (جلال بایار) به رحمت ایزدی پیوست. جنازه آن مرحوم در بامداد روز چهارشنبه به شهر ری مشایعت و در ابن بابویه در مقبره خانوادگی مدفون گردید.

دهخدا خود نقل می‌کرد که در کودکی شبی بالای بام خوابیده بود و درباره یکی از مثنوی‌های متداول در زبان فارسی می‌اندیشید، از اسم «مثل» آگاه نبود، همین قدر درک می‌کرد که آن جمله از نوع کلمات و لغات معمول نیست. قلم برداشت و چند تا از آن نوع یادداشت کرد. این نخستین قدمی بود که در راه تدوین امثال و لغات پارسی برداشت. وی سالیان دراز به تدوین لغت نامه کبیر خود پرداخت و امثال راهم مانند لاروس بزرگ (۶ و ۸ جلد) داخل لغات کرده بود.

در آن زمان یکی از فضایی عصر به نام شیخ غلامحسین بروجردي برای تعلیم و تربیت دهخدا تعیین شد. وی حجره ای در مدرسه حاج شیخ هادی (در خیابان حاج شیخ هادی) داشت، و مردی مجرد و بتدریس زبان عربی و علوم دینی مشغول بود. استاد دهخدا غالباً اظهار می‌کردند که هرچه دارند، بر اثر تعلیم آن بزرگ مرد بوده است. بعدها که مدرسه سیاسی در تهران افتتاح شد، دهخدا در آن مدرسه مشغول تحصیل گردید. معلم ادبیات فارسی آن مدرسه محمدحسین فروغی مؤسس روزنامه تربیت و پدر ذکاءالملک فروغی بود، و آن مرحوم گاه تدریس ادبیات کلاس را به عهده دهخدا می‌گذاشت. چون هادی نجم آبادی بود، وی از این حسن جوار استفاده کامل می‌برد و با وجود صغر سن مانند اشخاص سالخورده از محضر آن بزرگوار بهره مند می‌گشت. در همین ایام به تحصیل زبان فرانسه پرداخت. بعداً هنگامی که معاون الدوله غفاری به سفارت ایران در بالکان منصوب شد، دهخدا را با خود به اروپا برد، و استاد دوسال در اروپا و بیشتر در وین پایتخت اتریش اقامت داشت، و در آنجا زبان فرانسه و معلومات جدید را تکمیل کرد. مراجعت دهخدا به ایران مقارن با آغاز مشروطیت بود، و از آن موقع با همکاری مرحوم جهانگیرخان و مرحوم قاسم خان روزنامه صور اسرافیل را منتشر کرد و آن از جراید معروف و مهم صدر مشروطیت بود. جذاب ترین قسمت آن روزنامه ستون فکاهی بود که به عنوان «چرند پرند» به قلم استاد و با امضای «دخو» نوشته می‌شد، و سبک نگارش آن در ادبیات فارسی بی سابقه بود و مکتب جدیدی را در عالم روزنامه نگاری ایران و نثر معاصر پدید آورد. وی مطالب انتقادی و سیاسی را با روش فکاهی در طی آن مقالات منتشر می‌کرد.

پس از تعطیل مجلس شورای ملی در دوره محمدعلی شاه، دهخدا را با جمعی از آزادیخواهان به اروپا تبعید کردند.

وی در پاریس با علامه محمدقزوینی معاشر بود، سپس به سویس رفت و در «ایوردن» سویس نیز سه شماره از «صور اسرافیل» منتشر کرد. آنگاه به استانبول رفته با مساعدت جمعی از ایرانیان که در ترکیه بودند روزنامه ای به نام «سروش» به زبان فارسی انتشار داد که در حدود پانزده شماره منتشر شد. پس از اینکه مجاهدین تهران را فتح کردند و محمد علی شاه خلع گردید، دهخدا از تهران و کرمان به نمایندگی مجلس شورای ملی انتخاب شد، و با استدعای احرار و سران مشروطیت از عثمانی به ایران باز آمده به مجلس شوروی رفت. در دوران جنگ بین المللی اول، دهخدا در یکی از قرای چهار محال بختیاری منزوی بود و پس از جنگ به تهران بازگشته از کارهای سیاسی کناره گرفت، و به خدمات علمی و ادبی و فرهنگی مشغول شد، و مدتی ریاست دفتر (کابینه) وزارت معارف، ریاست تفتیش وزارت عدلیه، ریاست مدرسه علوم سیاسی، سپس ریاست مدرسه عالی حقوق و علوم سیاسی تهران به او محول گردید، و از آن زمان تا پایان حیات بیشتر به مطالعه و تحقیق و تحریر مصنفات گرانبهای خویش مشغول بود. علامه دهخدا در ساعت شش و سه ربع بعد از ظهر روز دوشنبه هفتم اسفند ماه ۱۳۳۴ هجری.



شمسی. درخانه مسکونی خویش واقع درخیابان ایرانشهر (جلال بایار) به رحمت ایزدی پیوست. جنازه آن مرحوم دربامداد روز چهارشنبه به شهر ری مشایعت ودرابن بابویه درمقبره خانوادگی مدفون گردید.

## آثار دهخدا

دیوان سید حسن غزنوی

تعلیقات بردیوان ناصر خسرو

ابو ریحان بیرونی

فرهنگ فرانسه به فارسی

ترجمه روح القوانین

ترجمه عظمت و انحطاط رومیان

امثال و حکم

لغت فرس اسدی

دیوان سوزنی

دیوان مسعود سعد

دیوان فرخی

دیوان منوچهری

دیوان حافظ

لغت نامه

دیوان دهخدا

پندها و کلمات قصار

مجموعه مقالات

دیوان ابن یمین

صحاح الفرس





## ۱- امثال و حکم :

دهخدا خود نقل میکرد که در کودکی شبی بالای بام خوابیده بود و درباره یکی از منتهای متداول در زبان فارسی می اندیشید، از اسم «مثل» آگاه نبود، همین قدر درک میکرد که آن جمله از نوع کلمات و لغات معمول نیست. قلم برداشت و چند تا از آن نوع یادداشت کرد. این نخستین قدمی بود که در راه تدوین امثال و لغات پارسی برداشت. وی سالیان دراز به تدوین لغت نامه کبیر خود پرداخت و امثال راهم مانند لاروس بزرگ (۸ و ۶ جلد) داخل لغات کرده بود. مرحوم اعتمادالدوله قراگزلو وزیر معارف وقت بدان سبب که طبع لغت نامه با وسایل آن عهد میسر نبود، از ایشان درخواست کرد امثال و حکم را از یادداشتها مجزا کند و جداگانه منتشر سازد. استاد نیز موافقت کرد و از میان یادداشتهای خود آنچه مثل، حکمت، اصطلاح و حتی اخبار و احادیث بود، بیرون کشید و مجموع را به نام «امثال حکم» در چهار مجلد به سالهای ۱۲۰۸-۱۳۱۱ در تهران به همت مرحوم قراگزلو به طبع رسانید، و در پایان کتاب فهرست اعلامی بر آن افزود. گروهی خرده گرفتند که عنوان کتاب امثال و حکم است ولی در طی آن، اصطلاحات و کنایات و اخبار و احادیثی که مثل نیستند، فراوان آمده.

دهخدا به نگارنده اظهار داشت: من خود متوجه این نکته بودم، ولی از انتخاب عنوانی مطول نظیر «امثال و حکم و مصطلحات و کنایات و اخبار و احادیث ...» خودداری و به عنوان ساده «امثال و حکم» اکتفا کردم. راه دیگر هم حذف اصطلاحات و کنایات و غیره بود، که اگر استاد بدین کار دست می یازید، خوانندگان کتاب خود را از فواید بسیار محروم میکرد. نکته دیگر در باب این کتاب، نداشتن مقدمه آن است. اصولاً، استاد علامه در باب مقدمه کتابهای خود احتیاطی عجیب مقرون به وسواس داشت. در پاسخ سؤال نگارنده، راجع به علت عدم تحریر مقدمه برای امثال و حکم اظهار داشت: «در زبان فرانسوی هفده لغت پیدا کردم که در فرهنگهای عربی و فارسی همه آنها را «مثل» ترجمه کرده اند و در فرهنگهای بزرگ فرانسوی، تعریفهایی که برای آنها نوشته اند، مقنع نیست و نمی توان با آن تعریفات آنها را از یکدیگر تمیز داد. ناگزیر توسط یکی از استادان فرانسوی دانشکده حقوق نامه ای به فرهنگستان فرانسه نوشتم و اختلاف دقیق مفهوم آن هفده لغت را خواستار شدم. پاسخی که رسید، تکرار مطالبی بود که در لغت های فرانسوی آمده بود. و به هیچ وجه مرا اقناع نکرد. از این رو از نوشتن مقدمه و تعریف مثل و حکمت و غیره خودداری کردم. و کتاب را بدون مقدمه منتشر ساختم.

-۲

استاد فقید بهمینار به نگارنده اظهار داشتند که خود چند سال به تدوین امثال پارسی مشغول بودند و چون امثال حکم دهخدا منتشر گردید از ادامه کار و طبع نوشته های خود صرف نظر نمودند، ولی بعدها یادداشتهای خود را در تعریف «مثل» و تقسیم آن، در مجله یغما دوره های دوم و سوم چاپ کردند، و می توان این سلسله مقالات را مدخل و مقدمه امثال و حکم دهخدا دانست. انتشار امثال و حکم دهخدا در ۱۳۱۱ در مجامع ادبی تهران به منزله حادثه ای ادبی تلقی شد، و در انجمن ادبی ایران که در منزل مرحوم افسر برپا میشد، مجلسی به افتخار استاد دهخدا بدین مناسبت تشکیل گردید و استاد فروزانفر شرحی مشبع در باب شخصیت علامه و مزایای دوره امثال و حکم بیان کردند.

## ۲- ترجمه عظمت و انحطاط رومیان:

تألیف منتسکیو. استاد این کتاب را در جوانی ترجمه کرده اند ولی تاکنون به طبع آن اقدام نشده.

## ۳- ترجمه روح القوانین:

تألیف منتسکیو. این کتاب را نیز استاد در جوانی ترجمه کرده اند و هنوز چاپ نشده است.



#### ۴- فرهنگ فرانسه به فارسی:

استاد از آغاز جوانی تا اواخر عمر به تألیف فرهنگ فرانسه به فارسی مشغول بودند. مواد این کتاب فراهم گردیده، و آن شامل لغات علمی، ادبی، تاریخی، جغرافیایی و طبی زبان فرانسه با معادل آنها در زبانهای فارسی و عربی است. مرحوم دهخدا این معادله را با تتبع دقیق در سالیان متمادی ازمون امهات کتب فارسی و عربی استخراج کرده اند. این کتاب نیز به طبع نرسیده است.

#### ۵- ابوریحان بیرونی:

شرح حال ابوریحان محمد بن احمد خوارزمی بیرونی که مقارن هزاره تولد بیرونی تألیف و به جای پنج شماره مجله آموزش و پرورش از انتشارات اداره کل نگارش وزارت فرهنگ در مهرماه ۱۳۲۴ منتشر گردیده، و سپس عین آن در لغت نامه تجدید طبع شده است.

#### ۶ - تعلیقات بردیوان ناصر خسرو:

دیوان قصاید و مقطعات حکیم ناصر خسرو به ضمیمه روشنایی نامه و سعادت نامه به تصحیح مرحوم حاج سید نصرالله تقوی و مقدمه آقای تقی زاده و تعلیقات آقای مینوی در تهران به سالهای ۱۳۰۴-۱۳۰۷ هجری - شمسی. به طبع رسیده است. یادداشتهای علامه دهخدا در تصحیح اشعار و بعضی نکات با مقدمه ای دلکش از صفحه ۶۱۹ دیوان مزبور به بعد چاپ شده است. بعد از آن نیز مرحوم ادیب پیشاوری در تصحیح برخی اشعار ناصر نظراتی اظهار کرده اند که در پایان دیوان خود آن مرحوم که به اهتمام مرحوم عبدالرسولی در ۱۳۱۲ در تهران طبع شده، به عنوان «رساله نقد حاضر» به چاپ رسیده است. آقای مسرور هم در مجله ارمغان سال دوازدهم انتقاداتی بر تصحیحات استاد منتشر کرده اند.

#### ۷- دیوان سید حسن غزنوی:

دیوان سید حسن غزنوی ملقب به اشرف، به اهتمام آقای مدرس رضوی در تهران به سال ۱۳۲۸ به طبع رسیده است. آقای مدرس پس از اتمام متن دیوان، آن را به نظر علامه دهخدا و استاد فروزانفر رسانیدند و یادداشت های ایشان را در تصحیح اشعار در پایان کتاب جای دادند. تصحیحات مرحوم دهخدا در صفحات ۳۶۱-۳۷۶ آن کتاب مندرج است. اینک نمونه تصحیحات:

ابر رحمت مهتر زان دست چون جیحون فرست  
تشنگان را شربت گرممکن است اکنون فرست  
مرحوم دهخدا تصحیح کرده اند: ابر رحمت، مهتر... استاد فروزانفر هم چنین تصحیح کرده اند.

#### ۸- دیوان حافظ:

مرحوم دهخدا یک بار دیوان حافظ چاپ خلخال (تهران ۱۳۰۶ ه.ش) را پس از انتشار تصحیح کردند و با ردیگر دیوان خواجه مصحح علامه محمد قزوینی (تهران ۱۳۲۰ ه.ش) را پس از طبع و انتشار تصحیح کردند و بار دیگر دیوان خواجه مصحح علامه محمد قزوینی (تهران ۱۳۲۰ ه.ش) را پس از انتشار تصحیح نمودند. نگارنده آنچه را استاد در حواشی نسخه دیوان طبع قزوینی یادداشت کرده بودند در مجله دانش سال دوم شماره هشتم به طبع رسانیده و امیدوار



است روزی نیز تصحیحات ایشان را در حواشی نسخه خلخالی نوشته اند انتشار دهد .  
بی مناسبت نیست که نمونه ای از تصحیحات و نظرات استاد را در این باب ایراد کند.

## ۱- در دیوان حافظ آمده :

حافظ مرید جام می است ای صبا برو

وز بنده بندگی برسان شیخ جام را

ادیان در معنی این بیت به اشکال برخوردند، چه شیخ احمد جام معروف به ژنده پیل، دو قرن پیش از حافظ میزیسته است. ناگزیر تاویلات نابجایی در این باب کرده اند. در نسخه خطی دیوان حافظ مورخ به سال ۸۱۲ بنا به نقل آقای دکترخانلری در مجله یغما، در مصراع دوم شیخ خام آمده. مرحوم دهخدا حدس زده اند جام در مصراع اول نیز در اصل خام بوده است، اینچنین: حافظ مرید خام می است، ای صبا برو

وز بنده بندگی برسان شیخ خام را..

خام می برابرمی پخته است. به قول نظامی عروضی فحوا دانند و بلغا شناسند که چه اندازه لطف در این بیت نهفته است و چه حدت نظر در تصحیح این بیت نمودار است.

## ۲- حافظ گوید:

آسمان بار امانت نتوانست کشید

قرعه فال به نام من دیوانه زدند

مرحوم دهخدا عبارت این مصراع از مرصادالعباد شیخ نجم الدین رازی برداشته شده است، و عبارت او این است: «و چون در بنات ارواح نورانی حرارتی که مایه محبت است و کدورتی که خمیر مایه تواضع و عبودیت است اندک بود و به کمال نبود بارامانت معرفت نتوانست کشید و در قطار آب و گل حیوانی که صفا و نورانیت به کمال نبود و باز بار امانت نتوانست کشید، مجموعه ای می بایست از هردو که ... تا بارامانت را مردانه و عاشقانه دردوش جان کشد...» و معلوم است که شیخ (نجم الدین) «آئین» را درآیه «نتوانست» تاویل و تفسیر کرده و خواجه نیز همان را آورده است: اند:

## ۹- دیوان منوچهری:

دیوان منوچهری را دهخدا از روی قریب بیست نسخه خطی و چاپی تصحیح کرده اند. از جمله تصحیحات ایشان موارد ذیل است:

### ۱- در نسخ خطی و چاپی دیوان منوچهری بیتی است به صورت ذیل:

مجره چون صبا که اندر او فتد

برون نجوم او هبای او



صهیا برواو هیای  
بدون بنای  
چودرینای  
بدان خوبای

بیت مذکور با صورتهای فوق به هیچوجه مفهوم نیست. دهخدا آن را چنین تصحیح کرد و همکه ادیبان پذیرفتند:

مجره چون صبا که اندر اوفتد

بروزن و نجوم او هبای او

۲- نیز دردیوان منوچهری آمده:

نرگس بسان چرخ یکی پره آسیاست

آن چرخ آسیا که ستون زمردین کنی

مرحوم دهخدا به جای «یکی پره» تصحیح کرده اند: به شش پره ... به قیاس بیت ذیل از منوچهری:

برسرهر نرگسی ماهی تمام

شش ستاره برکنار هر مهی



علامه فقید بخشی از یادداشتهای مذکور را برای تدوین در اختیار استاد بهمینار که چندی در لغت نامه با ایشان همکاری میکردند گذاشتند، ولی پس از مدتی آنها را مسترد داشتند. بعدها از نگارنده این امر را خواستار شدند، و مدتی این جانب به قراءت و مطالعه آنها پرداخت. یادداشتهای آن مرحوم در این باب در حواشی نسخ چاپی و نسخ خطی متعدد متفرق است و علاوه بر آنها در دفترهای بزرگ و فیشهای بسیار مطالبی نوشته اند. این یادداشتهای بسیار نفیس است ولی به علت تفرقه آنها و طول مدتی که استاد در اشعار منوچهری امعان نظر کرده اند، مطالب متناقض و متضاد بسیار است، و چون تاریخ هم ندارد، معلوم نیست آخر نظر استاد چه بوده و ناسخ کدام است و منسوخ کدام؟ تهذیب و تنقیح و تدوین یادداشتهای مذکور لااقل دو سال وقت میگیرد، باین همه نگارنده امیدوار است وی را توفیق و فرصتی دست دهد تا این مهم را- که بخشی از آن تاکنون انجام شده- بسامان رساند.

۱۰- دیوان فرخی:

دیوان فرخی را استاد علامه از روی نسخ متعدد خطی و چاپی تصحیح کرده اند. در آن زمان گروهی از فضلا عصر در محضر ایشان حاضر میشدند و در تصحیح اشعار تبادل نظر میکردند. نمونه ای از این تصحیحات:



۱- فرخی قصیده ای دارد به مطلع:

تادل من زدست من بستدی

سربسر ای نگار دیگر شدی

درضمن این قصیده درمدح خواجه عمید حامدبن محمدالمهتدی آمده:

ای همه حری و همه مردمی

وی همه رادی و همه بخردی

رادی را تو اول و آخری

حری را تو واضع و واجدی

مصراع دوم بیت اخیر بدین سان متناسب با مصراع اول نمی نماید. درحاشیه همان صفحه، نسخه بدل

بخش اخیر مصراع دوم چنین آمده: تو مقطع و مأخذي، که آنهم صحیح به نظر نمیرسد. مرحوم دهخدا

مصراع دوم را با امعان نظر درنسخه بدل چنین تصحیح کرده اند: حری را تو ضغط و ابجدی. و «ابجد و ضغط بودن» به معنی اول و آخربودن، قابل مقایسه است با alpha et ,omegal در زبان فرانسوی.

۲- دررباعی آمده:

صد ره گفتم که بامن ازعهد مخند

تا من به تو باشم ازجهانی خرسند

این بنده ترا نیاید امروز پسند

هین خیز و دهل ده چو مه رفت

بیت دوم صحیح نیست. مرحوم دهخدا چنین تصحیح کرده اند:



۳- درهمین صفحه دیوان، این رباعی به نام فرخی آمده:

دشمنت هم ازپیرهن خویش آمد





ازمحتتها محنت تو بیش آمد

ازملک پدر بخش تو مندیش آمد

مرحوم دهخدا نوشته اند: «این قطعه مال بوبکر ربابی یا علی مکی است.» اسناد اخیر مسبوق به سابقه ذیل است: درتاریخ بیهقی در فرو گرفتن امیرمحمد و بردن او به قلعه «مندیش» به امر برادرش سلطان مسعود، بیهقی گوید: «ویکی بود ازندمای این پادشا، و شعر و ترانه خوش گفتی، بگریست و پس بدیهه نیکو گفت، شعر: ای شاه چه بود این که ترا پیش آمد...»

۴- مرحوم دهخدا حدس زده اند «یکی» دراصل «مکی» بوده به استناد این بیت منوچهری:

یکی چون معبد مطرب، دوم چون زلز رازی

سیم چون سستی زرین، چهارم چون علی مکی

۱۱- دیوان مسعود سعد:

قسمتی از دیوان مسعود سعد سلمان را نیز دهخدا تصحیح کردند که تا کنون به چاپ نرسیده. اینک نمونه ای از آن: دردیوان مسعود آمده:

ای طالع نگون من ای کژرو حرون

ای نحس بی سعادت و ای خوف بی رجا

خرچنگ آیتی و خداوند تو قمر

آبیست سوزش تن و جان از شما چرا

بیت اخیر معنایی محصل ندارد. دهخدا چنین تصحیح کرده اند:

خرچنگ آبی و خداوند تو قمر

آبی است، سوزش تن و جان از شما چرا ؟

خرچنگ (سرطان) در نظر احکامیان، آبی (منسوب به عنصر آب) است، و خداوند (کدخدای) برج مذکور قمر (ماه) نیز آبی محسوب میشود.

۱۲- دیوان سوزنی:

در کتابخانه استاد نسخه ای از دیوان سوزنی سمرقندی است که تمام آن را تصحیح کرده اند. اینک نمونه ای از آن:

۱- دردیوان مزبور، ص ۵۱ آمده:

ازدها باش برخزینه علم

که چنین جای جای کرسه نیست



استاد چنین تصحیح کرده اند: که چنین جای، جای کربسه نیست.


۲- در همین صفحه آمده:

به بدو شاه مرا بدو مکرمت فرمای  
که این ز حیوان نیکوترین و آن ز نبات  
دهخدا تصحیح کرده اند:  
به بُر و شاه مرا یَر و مکرمت فرمای  
که این ز حیوان نیکوترین و آن ز نبات

براول به ضم اول و تشدید دوم یعنی گندم و شاه یعنی گوسفند، بر دوم به کسر او لو تشدید دوم یعنی نیکویی و احسان. اینک که بعضی ادیبان درصدد تصحیح و طبع دیوان مذکور هستند، سزاوار است از نسخه و تصحیحات آن مرحوم استفاده کنند.

۱۲- لغت فرس اسدی:

تصحیحات لغت فرس اسدی به قلم استاد در طی سالهای متمادی در حواشی دو نسخه چاپ پاول هرن و چاپ مرحوم عباس اقبال یادداشت شده است. نمونه ای از این تصحیحات: در نسخه چاپ اقبال، ص ۲۳ آمده:

زیب  
خسرو نوشاد است در روم شروان شاهش کرد، فردوسی گوید:  شد از زیب خسرو چو خرم بهار [کذا] مرحوم دهخدا نوشته اند: حسن و حسین دختران مغاویه الخ. « زیب خسرو، نوشاد است و در روم. نوشروان شاهش کرد یعنی آن را شاه نوشروان ساخت. زیب خسرو نام شهری است که انوشروان ساخت:

یکی شهر فرمود نوشین روان

بدو اندرون آبهای روان

بزرگان روشن دل و شاد کام

ورازیب خسرو نهادند نام

چو شد زیب خسرو چو خرم بهار

بهشتی پراز رنگ و بوی و نگار...

از این زیب خسرو مرا سود نیست

که بر پیش درگاه من تود نیست...

بدو گفت کاین زیب خسرو تر است

غریبان و این خانه تو تراست



قسمتی از این تصحیحات در مجله یغما و مجله دانش به طبع رسیده است.

#### ۱۴- صحاح الفرس:

از صحاح الفرس که دومین کتاب لغت فارسی موجود است، تاکنون سه نسخه به دست آمده است که یک نسخه متعلق به کتابخانه اسناد دهخدا است، و اسناد آن را تصحیح کرده و مقدمه ای برای آن نوشته اند. آقای عبدالعلی طاعتی نیز نسخه نفیسی از این کتاب دارند و تصحیح این کتاب را به عنوان پایان نامه دکتری ادبیات فارسی به عهده گرفته و یادداشتهای علامه دهخدا را در طبعی کتاب خود با ذکر مأخذ وارد کرده اند، و خوانندگان پس از طبع صحاح الفرس از آنها آگاه خواهند شد.

#### ۱۵- تصحیح دیوان ابن یمن:

استاد دهخدا دیوان ابن یمن را تصحیح کرده اند و نسخه مصحح ایشان اکنون در کتابخانه مجلس شورای ملی است، و مرحوم رشید یاسمی در ترجمه احوال ابن یمن از این کتاب استفاده کرده است.

#### ۱۶- تصحیح یوسف و زلیخا:

مرحوم دهخدا نسخه ای خطی از یوسف و زلیخا منسوب به فردوسی در کتابخانه خود داشتند که تمام آن را و تصحیح و تحشیه کرده اند. ایشان بر خلاف بعض معاصران از جهت ارزش ادبی بدین کتاب علاقه بسیار داشتند.



#### ۱۷- مجموعه مقالات:

مقالات اجتماعی - سیاسی علامه به نام «چرند پرنده» و همه سر مقاله های روزنامه صور اسرافیل چاپ تهران (به استثنای نمره بیستم که هر دو مقاله به قلم مرحوم جهانگیر خان است) و صور اسرافیل چاپ ایوردن سوییس و روزنامه سروش طبع استانبول و ایران کنونی چاپ تهران و آفتاب (روزنامه نیم رسمی دوره ناصر الملک در تهران) و چند مقاله در روزنامه «شوروی» چاپ تهران طبع شده است. آقای سعید نفیسی مقالات «چرند پرنده» ایشان را از روزنامه صور اسرافیل تهران استخراج کرده و در «شاهکاری های نثر فارسی معاصر» تهران ۱۳۳۰ به طبع رسانیده اند. نگارنده این سطور بر آن است که مجموعه مقالات مذکور را در یک مجلد به دسترس خواستاران آثار استاد بگذارد.

#### ۱۸- پندها و کلمات قصار:

استاد مجموعه ای دارد شامل جمله های کوتاه و حاوی مطالب فلسفی و اخلاقی نغز، به سبک پندهای لارشغوکو. این مجموعه به طبع رسیده است.



## ۱۹- دیوان دهخدا :

استاد دهخدا که در نظم و نثرمتبحر و مخصوصاً دردواین شعرای قدیم تتبع داشت، و سالها به تصحیح دیوان گویندگان بزرگ مشغول بود، گاه به سرودن اشعار اقبال میکرد. اشعار دهخدا را می توان به سه قسم تقسیم کرد:

۱- اشعاری که به سبک متقدمان سروده. بعضی ازاین نوع دارای چنان جزالت و استحکامی است که تشخیص آنها ازگفته های شعرای قدیم دشوار می نماید.

۲- اشعاری که درآنها تجدد ادبی به کا ررفته است. بسیاری ازادیبان معاصر مسمط «یاد آرزشم مرده یاد آر» او را نخستین نمونه شعر نو به شمار می آورند.

۳- اشعار فکاهی که تعمداً به زبان عامیانه پرداخته است.

## ۲۰- لغت نامه

همان گونه که پیداست لغت نامه مهم ترین و اساسی ترین اثر دهخدا و حتی شاید همه نویسندگان معاصر است و بیشتر شهرت و احترامی که دهخدا داراست به خاطر لغتنامه اوست. بنا به باور بسیاری چنین کار بزرگ و چنین سرمایه گذاری عظیمی برای زبان فارسی را به غیر از دهخدا تنها فردوسی انجام داده بود. تالیف لغت نامه دهخدا تاثیر بزرگی در پایداری و جاودانگی زبان فارسی گذاشت. امروز در ایران به هر کتابخانه ای که برویم از میزان مراجعانی که در جستجوی معنای کلمه ای یا مطلبی علمی مجلدات لغت نامه دهخدا را ورق می زنند می توانیم به به راحتی ارزش و اهمیت این کتاب را درک کنیم.

## مبارزات سیاسی دهخدا

وقتی دهخدا از سفر بالکان بازگشت، انقلاب مشروطه کم و بیش آغاز شده بود. او که همیشه به فکر پیشرفت و ترقی مملکت خود بود، انقلاب مشروطه را راه مناسبی برای رسیدن به این هدف می دید. او در آغاز ورود به ایران، از طرف امین الضرب مهدوی به عنوان معاون و مترجم موسیو دوبروک، مهندس بلژیکی اداره شوسه خراسان استخدام شد. از همین زمان دیگران از نامه های اداری و نحوه کار دهخدا استعدادهای او خصوصاً استعدادش در نویسندگی را شناخته بودند.

شش سال بعد، وقتی مشروطه در کشور اعلام شده بود و مشروطه خواهان در حال تلاش برای بیدار کردن مردم از خواب غفلت بودند دهخدا از طرف میرزا جهانگیر خان شیرازی و میرزا قاسم خان تبریزی به عنوان نویسنده ای در روزنامه صور اسرافیل، به تهران دعوت شد. ورود دهخدا به روزنامه صور اسرافیل در واقع آغاز فعالیت های سیاسی دهخدا بود.

روزنامه صور اسرافیل که در حقیقت یک هفته نامه بود و به طور هفتگی منتشر می شد، نه ماه پس از اعلام مشروطیت در روز پنج شنبه هفدهم ربیع الاول سال ۱۳۲۵ قمری در محل کتابخانه تربیت واقع در خیابان ناصری تهران آغاز به انتشار کرد. تنها شش شماره از این روزنامه در آنجا منتشر شد و پس از آن محل انتشار آن به جای دیگری انتقال یافت.

صور اسرافیل یکی از اساسی ترین سلاح های مشروطه خواهان بود که تیراژ هر شماره آن در حدود بیست و چهار هزار نسخه بود. این روزنامه به طرز ماهرانه ای و برای اولین بار در ایران توانسته بود طنز و اخبار و مقالات سیاسی و نیازهای مردم آن زمان را به طور دلپذیر و مردم پسندی در قالب یک روزنامه چاپ کند. شاید این اولین روزنامه ایرانی بود که مردم کوچه و بازار نیز آن را می خواندند. آن زمان مردم تهران به غیر از شاهنامه خوانی و افسانه گویی و کارهایی از این قبیل سرگرمی دیگری به نام روزنامه خواندن نیز داشتند. مردم دسته دسته می نشستند و با شور و شوق از کودکان روزنامه فروش روزنامه ای را می خریدند که هم مایه تفریحشان بود و هم نیازها و مشکلاتشان را مطرح می کرد.

از میان مطالب این روزنامه آنچه بیش از همه طرفدار داشت و باعث شهرت روزنامه شده بود ستونی بود به نام "چرند و پزند" که با امضای "دخو" به چاپ می رسید و نویسنده آن دهخدا بود. نوشته های دهخدا در ستون چرند و پزند از دو نظر قابل توجه هستند. اولاً سبک نوشتار دهخدا در این مقالات که می توان آنها را به نوعی سبکی جدید در نگارش فارسی دانست. بنا به تایید بسیاری از مورخین سبک نگارش او در چرند و پزند سبکی کاملاً نو بود و بسیاری از نوشته های امروزی برگرفته از آن سبک هستند. همچنین استدلال ها و طعنه های سیاسی دهخدا در دفاع از مشروطه در نوع خود بی نظیر بودند و تاثیر زیادی در طرفداری مردم از حکومت مشروطه داشتند.

( شماره ۲ ) \* ( وَ تَفِيحٌ فِي الصُّورِ قَادِمٌ مِنَ الْأَجْدَادِ إِلَى دَيْهَمِ يَنْسِلُوتِ ) ( سنه اول ) ( صفحه ۱ )



<p>عنوان سرایعت میرزا جهانگیرخان شیرازی و میرزا قاسم خان تبریزی</p> <p>مطهران خاندان ناصری کتایبانه تبریز مجموعه ۲۴ جلد ربيع الآخر ۱۳۲۵ هجری ۲۱ جماد سال ۱۳۷۹ از نگردی هجری ۶ ماه ژون سال ۱۹۰۷ میلادی</p>	<p>فَذَا تَفِيحٌ فِي الصُّورِ قَادِمٌ مِنَ الْأَسْبَابِ بَيْتُهُمْ</p> <p>هنگامی سیاسی تاریخی اخلاقی - مقالات و لوایح که موافقت با ممالک بادا داشته باشند با مصلحت پذیرفته میشود و در طبع و عدم طبع اداره مختار است - بگفتهای بدون مجوز قبول نخواهد شد</p>	<p>قیمت اشترک سالیانه مطهران دوازده (۱۲) قران سایر بلاد ایران هجده (۱۷) قران عساکه خارجه دو (۲) تومان قیمت تک جلد مطهران پنجاه (۴۰) شاه سایر بلاد ایران پنج (۵) شاه</p>
---	--	---

چرا ؟  
برای اینکه کامیاب پادشاه هخامنشی دل پسر وزیرش را هدیه  
نبرد کرد . برای اینکه فلان شاهزاده غاصم میگردد همه  
چه داخل آدم است ؛ برای اینکه . چه فرمان بزدان  
به فرمان شاه از اشرار قدوسی است . برای اینکه  
سید محمد مجاهد چندین هزار آدم و نصف نیک تلنگ با  
فدای مصعب و بی املای خود نمود . برای اینکه فلان  
حاکم رعیت را گاو بزرده خود حساب میکرد . برای  
اینکه ملت ایران به اشیا کور کورانه آقا . میرزا .  
کسختند . آخوند . و آیه نشی عادت کردند .  
آدمیکه ذمه مورداشته باشد میداند افراد پسر  
در زندگی به کمک یکدیگر میمانند . جذب الام و دفع  
منازقوت میخواهد و قوت بی حسیب حاصل میشود .  
یکی باید گوشه نشین بماند . یکی باید بشم برسد  
یکی زمین شیار کند یکی دست آس نماید . یکی نان

هنوز وفق در ایران حقوق می گویند فلان مستوفی به  
مواجهت پنی مزد تقاب و غنط کار بهی خودی از جبهه  
میکند . فلان طلبه می آترا و قاضی شامی میداند  
فلان عوام با لفظ حقوق اشتباه می نماید .  
کسکای نامی گفتند که بدی گاهی بواسطه  
کالی بداهت نظری میشود . من میگویم گاهی بواسطه  
مدامت آیر انداد و محسکتن است یک امر طبیعی منی  
ماند .  
در هیئت وجود مرالبد لته هم تمام به تکالیف  
خود عمل می کنند و هم از اختیارات خود صرف نظر  
نمی نمایند . مینوهای استرالی موافق یک قانون نامعلوم  
کلیه خود را اداره می کنند . اما یک مشت مردم بد بخت  
ایران برای اینکه آدم باشند و استیسی حقوق اد بیت  
حسکتن منتظرند مجدداً جیر پیل از آسمان نازل شود .  
فلان مجهد اجازه بدهد و فلان پادشاه امضا نماید .



صور اسرافیل در طول مدت انتشار پنج بار متوقف شد. وقفه اول و دوم آن هر دو به خاطر مقالات تند و تیز روزنامه بودند و در هر دو بار روزنامه برای مدتی منتشر نشد. پس از مدتی روزنامه مجدداً توقیف شد و محل چاپ روزنامه نیز مورد غارت و حمله قرار گرفت. در بار چهارم وقفه در انتشار طولانی شد و دلیل آن بیماری دهخدا ذکر می شد. آخرین توقف در کار چاپ روزنامه سه روز قبل از به توپ بستن مجلس شورای ملی بود. پس از حاکم شدن فضای رعب و وحشت در جامعه دهخدا و تقی زاده و سید جمال الدین واعظ و تعدادی دیگر در خانه ای نزدیک مجلس شورای ملی پنهان شدند و سپس به مدت بیست و پنج روز به عنوان پناهنده سیاسی در سفارت انگلیس به سر بردند تا اینکه بالاخره محمد علی شاه با هر تدبیری که بود آنها را از آنجا بیرونشان آورد و راهی تبعیدشان کرد.

دهخدا ابتدا به نزد محمد خان قزوینی در پاریس رفت و پس از مدتی از آنجا خود را به شهر ایوردن سوئیس رساند و در آنجا نیز سه شماره دیگر از روزنامه صور اسرافیل را به هر زحمتی که بود به چاپ رساند و با هزار دردسر به تهران فرستاد. مدتی بعد از آن عازم استانبول شد و در آنجا روزنامه فارسی سروش را به کمک ایرانیان آنجا منتشر کرد که حدود پانزده شماره از آن منتشر شد.

سرانجام پس از پیروزی مشروطه خواهان، دهخدا به عنوان نماینده مجلس از دو شهر تهران و کرمان انتخاب شد و به تهران بازگشت و به مجلس شورای ملی رفت.

پس از شروع جنگ جهانی اول، دهخدا که دیگر طاقت شلوغی و خونریزی را نداشت به یکی از دهات چهارمحال بختیاری منزوی می شود. اما زندگی سیاسی دهخدا در اینجا به پایان نمی رسد. چند سال بعد، وقتی بحث ملی شدن صنعت نفت مطرح شده بود، دهخدا جسورانه به دفاع از آن پرداخت و مقالاتی را نیز بر علیه حکومت استبدادی انگلستان نوشت.

طرفداری دهخدا از مصدق و یارانش تا به آنجا بود که وقتی کودتای بیست و هشت مرداد به پیروزی رسیده بود و سربازان شاه به دنبال دکتر فاطمی یار وفادار دکتر مصدق می گشتند تا او را دستگیر کنند به خانه دهخدا ریختند و و خانه او را برای پیدا کردن دکتر فاطمی به هم ریختند و چون او را نیافتند، دهخدا را بازداشتش کردند و با شکنجه های بسیار سعی کردند تا حرفی از زیر زبان آن پیرمرد بیرون بکشند. سرانجام نیز چون به نتیجه ای نرسیدند پیکر نیمه جان او را در دالان خانه اش رها کردند. او سرانجام در سن ۷۷ سالگی جان به جان آفرین تسلیم کرد.

## لغت نامه



همان گونه که پیداست لغت نامه مهم ترین و اساسی ترین اثر دهخدا و حتی شاید همه نویسندگان معاصر است و بیشتر شهرت و احترامی که دهخدا داراست به خاطر لغتنامه اوست. بنا به باور بسیاری چنین کار بزرگ و چنین سرمایه گذاری عظیمی برای زبان فارسی را به غیر از دهخدا تنها فردوسی انجام داده بود. تالیف لغت نامه دهخدا تاثیر بزرگی در پایداری و جاودانگی زبان فارسی گذاشت. امروز در ایران به هر کتابخانه ای که برویم از میزان مراجعانی که در جستجوی معنای کلمه ای یا مطلبی علمی مجلدات لغت نامه دهخدا را ورق می زنند می توانیم به به راحتی ارزش و اهمیت این کتاب را درک کنیم. همه لغات فارسی و نام شهرها و روستاها و کلمات علمی و اشخاص بزرگ و حتی لغات عربی را می توان در لغت نامه دهخدا یافت. در جلوی هر کلمه ای، معنای لغوی کلمه، موارد استعمال آن، طرز تلفظ



صحیح آن، اشعاری با آن و بسیاری اطلاعات دیگر درباره آن قرار دارد. لغت نامه دهخدا هم دایره المعارف است و هم کتاب مرجع علم های گوناگون و هم لغت نامه. وجود این کتاب در هر خانه یا کتابخانه یا جای دیگری نعمتی بزرگ محسوب می شود.

لغت نامه که دهخدا پنجاه سال یعنی بیشتر عمر خود را صرف آن کرد از پایه سه چهار میلیون فیشی تالیف شده است که دهخدا شب و روز به جمع آوری آنها مشغول بود. به گفته خود او و نزدیکانش او هیچ روزی از کار فیش برداری برای لغت نامه غافل نشد مگر دو روز به خاطر فوت مادرش و دو روز به خاطر بیماری سختی که داشت

فکر ایجاد لغت نامه ای جامع که هم معنای همه لغات فارسی را داشته باشد و هم اطلاعات لازم درباره همه چیز را به خواننده بدهد از همان زمانی که دهخدا در یکی از قرای بختیاری منزوی بود در ذهنش خطور کرده بود. آن طور که آگاهان نوشته اند وی چند میلیون فیش از روی متون معتبر استادان نظم و نثر فارسی و عربی، لغت نامه های چاپی و خطی، کتب تاریخ و جغرافیا، طب، ریاضی، هندسه، هیأت، حکمت، کلام، فقه و... فراهم آورده بود. البته نقل می کنند که او بیشتر یادداشت ها را از روی ذهن خود می نوشته است. خود وی در یکی از یادداشتهای پراکنده اش برای لغت نامه می نویسد: "همه لغات فارسی زبانان تا کنون احیا و در جایی جمع آوری نشده، مقداری از لغات مستعمل در لغت نامه ها در کتب خصوصا در شعر، گرد آمده است که ما آنها را در اینجا نقل کرده ایم. ولی از سوی دیگر هزاران لغت فارسی و غیر فارسی در تداول به کار می رود که تا کنون کسی آنها را گرد نیاورده و اگر گرد آورده به چاپ نرسانیده است. ما بسیاری از این لغات را به تدریج از حافظه نقل و سپس آنها را الفبایی کرده ایم. ولی باید دانست که برای به خاطر آوردن چند ده هزار کلمه و الفبایی کردن آن عمر هفت کرکس می باید... و این کار بی هیچ فصل و قطعی، بیرون از بیماری صعب چند روزه و دو روز رحلت مادرم رحمه ا... علیها که این شغل تعطیل شد و دقایقی چند که برای ضروریات حیات در روز، و می توانم گفت که بسیار شبها نیز، در خواب و در میان نوم و یقظه در این کار بودم. چه بارها که در شب از بستر بر می خاستم و پلیته می کردم و چیز می نوشتم."

دهخدا در سال ۱۳۲۴ هجری شمسی میلیونها فیشی را که در تهیه ی لغت نامه فراهم کرده بود توسط مجلس شورای ملی به ملت ایران هدیه کرد و مجلس نیز قانونی را تصویب کرد که این میراث عظیم چاپ شود و موسسه ای نیز به نام لغت نامه دهخدا برای مدیریت کار چاپ لغت نامه و ادامه راه دهخدا تاسیس شود. مدتی بعد از تصویب طرح چاپ لغت نامه در مجلس شورای ملی دهخدا فوت کرد و از آن زمان به بعد کار هماهنگی و مدیریت لغت نامه به وصیت خود دهخدا به عهده دکتر محمد معین گذارده شد. او که خود فردی فرهیخته بود و در ادبیات فارسی تبحر فراوان داشت و کتاب فرهنگ فارسی شش جلدی معین از آثار گرانبهای اوست به خوبی از عهده ادامه این کار خطیر بر آمد. پس از فوت دکتر معین نیز این کار به وسیله دکتر سید جعفر شهیدی و ابوالحسن شعرائی و دکتر دبیر سیاقی و دیگران دنبال شد و به پایان رسید.

تا زمانی که دهخدا زنده بود چهار هزار و دوست صفحه از لغت نامه تهیه شده بود در حالی که لغت نامه ای که امروز وجود دارد در پنجاه جلد و بیست و شش هزار صفحه به چاپ رسیده است. همچنین به تازگی سی دی لغت نامه دهخدا نیز توسط موسسه دهخدا که زیرمجموعه دانشکده ادبیات دانشگاه تهران است تولید و عرضه شده است. به علت ارزش فرهنگی و علمی لغت نامه و نقش خطیر آن در زبان فارسی از تولید و عرضه سی دی یا کتاب لغت نامه دهخدا توسط شرکت ها و اداره های دیگر جلوگیری می شود. همچنین به تازگی مجلس در حال بررسی این طرح است که کتاب لغت نامه را از قانون حقوق مصنفان مجزا نگه دارد زیرا بر اساس این قانون هر کتابی پس از گذشتن سی سال از زمان چاپش قابل چاپ شدن توسط هر چاپخانه ای است. اما به خاطر وضعیت خاص لغت نامه دهخدا قرار است قانونی تصویب شود که بر اساس آن به جز موسسه دهخدا هیچ موسسه دیگری نتواند دست به تولید و توزیع کتاب یا سی دی لغت نامه دهخدا بزند.